

دادن اشیاء از مسافت‌های دور، پروفیسور «شرویدر» آلمانی مقیم برلین که بعنوان شاهد دعوت شده بود در حضور محکمه گفته است که وی بموجب مشهوداتی که از اسرار این علم در ایران دیده است بوجود و حقیقت این علم کاملاً قانع شده است. (پروفیسور مذکور در سال ۱۹۱۶ در اصفهان بوده است).

۶ — در صحرای کالیپاری در آفریکای جنوبی، یک قبیله از مردمان وحشی کشف کرده‌اند که تا کنون هیچ رابطه با انسانهای دیگر نداشته‌اند. مردان این قبیله، با موش و عقرب و تخم مورچه خود را تغذیه میکنند و زبان این قبیله که ابتدائی‌ترین مردم روی زمین را تشکیل میدهد مرکب از ۷ صدا میباشد.

تجلیات روح ایران

صد کلام

از افکار فلسفی شیخ محمد خیابانی

[نقل از رساله شرح حال شیخ محمد خیابانی شماره ۱۴ از انتشارات ایران‌شهر که در زیر چاپ است]

۱ — در آزادی و استقلال

- ۱ — اولین لازمه شرافت يك ملت، استقلال است.
- ۲ — استقلال ملت‌ها را فقط فضایل و اخلاق عالیه می‌تواند محفوظ داشت.
- ۳ — حافظ و نگهبان استقلال هر ملتی شجاعت و قهرمانی اوست.
- ۴ — هر گاه می‌خواهید آزاد باشید باید پرستش حقیقت را پیشه خود سازید.

- ۵ — بدون حقیقت، آزادی میسر نیست.
- ۶ — يك ملت نمیتواند بدون معارف آزادی خود را محفوظ دارد.
- ۷ — در راه زندگی شرافتمندانه باید از جان و مال گذشت.
- ۸ — زنده باد ملتی که برای زنده داشتن آزادی، زندگی را دوست دارد.
- ۹ — آزادی مستلزم مساواتست، در مقابل قانون همه برابریم.
- ۱۰ — هیچ نوع آزادی را نمیتوان تصور کرد که بما اجازه دهد الی الابد خطا کار باشیم.
- ۱۱ — عطر کلاب، جعلها را سراسیمه میکند، عطر آزادی را در مملکت نشر نماید تا جعلهای استبداد از میان بروند.
- ۱۲ — آزادی عقیده در بالای سر هر سیاست حاکم است.
- ۱۳ — شما هر قدر آزادی خواه باشید هستند جماعتی که از شما آزادی خواه ترند.
- ۱۴ — ایران را ایرانی باید آزاد کند.
- ۱۵ — در عین آزادی باید مقید باشی.
- ۱۶ — روح ملت فدای هیچکس نیست، ارواح خادمین ملت باید فدای ملت شود.

۲ — در تجدد و ترقی

- ۱۷ — اولین وسیله ترقی، داشتن روح تجدد است.
- ۱۸ — يك ملت زنده و بیدار و هوشیار باید همیشه بطرف تجدد رهسپار گردد.
- ۱۹ — بر ضد زمانه راه رفتن غلط و محال است.
- ۲۰ — باید زمانه ما را بهر کجا که لازم است برویم هدایت کند.
- ۲۱ — چنانکه زمانه ملتها را سوق میکند و میروند ما

- هم نباید بزمان خودمان عاق بشویم.
- ۲۲ — باید ترقی کردن را واجب دانست، ترقی نکردن مردن است.
- ۲۳ — هر ملتی که ترقی را با نظرهای لاقید و بی‌علاقه ملاحظه نماید دچار هلاکت خواهد شد.
- ۲۴ — ما اولاد قرن حاضریم و عاق قرن خود نخواهیم شد.
- ۲۵ — اولین دشمن يك متجدد، آمال (ایده‌آل) زمان اوست.
- ۲۶ — جهال، مرگ را بر تغییر عادت ترجیح میدهند.
- ۲۷ — آنچه امروز يك امل مبجل و مرغوبی است ممکن است فردا منفور و مردود باشد.
- ۲۸ — عوام يك علاقه صمیمی با عادات خودشان دارند و عادات مانع ترقی و تجدد است.
- ۲۹ — عقل و منطق عوام در چشم اوست.
- ۳۰ — کلاه امروزی شما بقدر کلاه دیروزی پدران شما نیست و فردا هم کلاه امروزی را در سر نخواهید داشت.
- ۳۱ — همان قوه که در موقع خود بشکل آتش و حرارت متجلی میگردد بعد از این باید بشکل کد و حرکت بروز آید و چرخهای تمدن و تکامل را راه بیندازد.

۳ — در فلسفه اجتماعی

- ۳۲ — عوام تابع تلقینات است و هرگاه مدیران او قابل و صاحب حسن نیت باشند ممکن است نتایج حسنه از عوام گرفت.
- ۳۳ — يك فرد بی‌علاقه بی‌جامعه خود کمتر از حیوان است.
- ۳۴ — عدم علاقه بر حیات اجتماعی دلیل بر عدم زندگی است.
- ۳۵ — در حیات سیاسی و اجتماعی آنانکه علاقه‌مند نیستند

- بمثابه امواتی هستند که حیات از آنان روگردان و گریزان است.
- ۳۶ — مردگاتند اشخاصی که برای خاطر اغراض و اسقام شخصی خود به اتفاقات مخالف عقیده و مسلک تن درمیدهند.
- ۳۷ — ترحم بر غاصبین حقوق جماعت، خیانت بر جماعت است.
- ۳۸ — در میان دو نظریه متفاوت باید بزودی عقل خود را بکار انداخته يك قرار قطعی اتخاذ نمود.
- ۳۹ — يك نادان در يك لحظه ممکن نیست دانا بشود.
- ۴۰ — شخصی که در تاریکی زیست کرده است در پیش يك روشنائی آنی چشمش خیره و یا کور می‌شود.
- ۴۱ — کسی که به تکالیف اجتماعی خود عمل نکند حقوق خودش را فاقد می‌گردد.
- ۴۲ — مجازات و مکافات نباید لاعن شعور باشد.
- ۴۳ — هیچ کار بزرگ بدون فکر انجام نمی‌گیرد.
- ۴۴ — از افکار غیر متجانس و متضاد نمی‌توان نتیجه گرفت.
- ۴۵ — هر زمانی تقاضائی دارد که با میزان علم و معرفت بشر تغییر پذیر است.
- ۴۶ — اعمال جماعت آنی و غیر ارادی است مثل يك زلزله ناگهانی عالمی را بهم زده خود نیز از میان میرود.
- ۴۷ — عوام وقتی که میخواهد کاملاً میخواهد و وقتی که پیدار شد دیگر فعالیت تدریجی را قبول نمی‌نماید.
- ۴۸ — عوام بی‌اراده و اختیار است و تابع جریان و تلقینات.
- ۴۹ — تمایل عوام بموهومات است، معرکه و افسانه‌های يك درویش بیشتر از کنفرانسهای يك دانشمند او را جذب میکند.
- ۵۰ — در تعیین عیار و قیمت ملتها سنجیه بالاتر از همه چیز است.
- ۵۱ — يك حرکت عمومی، تمام بشر متمدن را بجانب يك سر

منزل تکامل پیش میرد.

۵۲ — بنام هر اکثریتی نمی‌توان حکم قطعی داد.

۵۳ — هر دوره تاریخی که در حیات يك هیئت اجتماعیه رخ میدهد با قلم يك نفر مورخ و یا فرمان يك زمامدار امور تعیین و تحدید نمی‌شود.

۵۴ — حادثات اجتماعیه محصول و نتیجه عوامل طبیعیه است.

۵۵ — نه ممکن است تاریخ را فریب داد و نه ممکن است زمان را از سیر سریع خودش باز داشت. (بقیه دارد)

تربیت نوباوگان

حفظ الصحه^۶ اطفال در ایران

صدای ورور بچه بلند است.

عمه: آخه بابا امشب این چرا اینجور می‌کونه شاید دلش درد میکنه خوبه یه خورده با روغن چراغ چرب بکنیم. در این وقت بچه را بغل گرفته از کنار اطاق یواش یواش خودش زیر کرسی انداخته شروع بحرف زدن با بچه میکند. به میرم الاهی تو که هلاک شدی؛ جونم عمه بقربونت بره، جونم بمیرم که زبون نداری حرف بزنی، واله این دلش درد میکنه. گلین بیا اون شیشه روغن چراغ از زیر کرسی بیرون بیار او این بچه بگیر و کن تا یه خورده دلش و چرب به کنیم.

مادر بچه: (با آه و ناله) خانم قربوتون، نازه قنداق کردیم، میترسم بچم سرما خورده سینه پهلو بکنه.

خاله بچه: خوب اون حیاط خانم باجی رو بکنیم بیاد باز